

گذر از جهان افسانه*

کتاب **گذر از جهان افسانه** ۱۷۶ صفحه و دارای ۹ فصل است. این کتاب حدود ۱۱۰ قصه مردم گیلان را از شهرهای مختلف گیلان (رودسر تا رودبار و تالش) نقد و بررسی می‌کند که به عنوان نمونه و به طور اجمالی در نوع خود کلیتی از اندیشه‌ها و باورهای مردم را ارائه می‌دهد. در نظر داریم که محاسن و معایب کتاب حاضر را در حد توان به شیوه خود کتاب، تودرتو، معرفی نماییم.

۱- کتاب از آغاز، حرکت کند و آرامی دارد به گونه‌ای که به نظر می‌رسد، نویسنده در جمع‌بندی برخی از اطلاعات دچار قدری تکلف شده است (البته این گونه آثار ذاتاً دچار چنین مشکلاتی هستند. با وجود این، نویسنده از مکانیزمهایی چون ایجاز غیر مُخل بهره گرفته و در برطرف ساختن نقیصه جد و جهد نموده است). هر چه پیش‌تر می‌رویم، حرکت نوشته (بعد از خلاصه‌ها) سریع‌تر و جذاب‌تر می‌گردد، به نحوی که به خواننده در پایان کتاب حس غریب، ماندنی توأم بالذت دست می‌دهد. گفتنی است که هر فصلی از کتاب ساختاری نیرومند و یا تزی تازه دارد.

۲- می‌دانیم طبقه‌بندی قصه‌ها چنانکه مارتسلف انجام داده، کاری دشوار است؛ اما دشوارتر آنکه علاوه بر طبقه‌بندی، ریخت و کارکرد هر گروه از قصه‌ها ارائه و به طور منسجم بررسی محتوایی و ساختاری گردد. نویسنده در این کار پرتکلف توفیق کم سابقه و کم نقصی داشته است: (نگاه کنید به فصل ۴ که نویسنده در اقرار ضمنی بدین نقیصه از تعبیر تحمیل استفاده می‌کند: «تأکید می‌کنیم که از یک زاویه دید می‌توان، ساختار «ازدواج طبقاتی» را بر این افسانه‌ها تحمیل کرد» / ص ۶۹).

هر طبقه چندین قصه را در بر دارد، مگر رمانس در فصل ۹ که دو قصه است و با افسانه‌های دیگر عامیانه فرق دارد و به عنوان مکمل افسانه‌ها و فاکتور هوشمندانه و موجز پایان‌بندی و در عین حال

دوره‌ای برای مباحث اثر، به جای مؤخره به حساب می‌آید. ۳- کتاب حاضر، صرفاً دارای مجموعه‌ای از داده‌ها و اطلاعات اطنابی و کسالت‌بار نیست، که در این صورت می‌توان کتابهای مرجع فراوانی را که حاوی اکثر این اطلاعات است، پیدا کرد. آنچه مهم است، چفت و بست هنری و معماری زیباشناختی اطلاعات نویسنده است. ایجاز حکم می‌کند که همه اطلاعات به نحو مطلوب ارائه گردد. مهم این است که گریزها هنرمندانه باشد تا اطلاعات کشکولی و مکانیکی سرهم‌بندی نشوند.

۴- خلاصه کردن قصه از سویی ایراد کار است. نویسنده برای خود کفایی متن، قصه‌ها را خلاصه کرده و اصل قصه‌ها را به جلدی دیگر ارجاع داده است. خلاصه قصه، زاویه دید و رویکرد خاص نویسنده را نشان می‌دهد و محتملاً چاره و گزیری جز این نیست؛ با نظر به اینکه حجم اندک در عصری کم‌حاصله و در نتیجه ایجاز، قصد مؤلف بوده است. نویسنده کتاب را در سطح صوری به دو مجلد تقسیم نکرده و آن را بی آنکه تحت عنوان جلد ۱ نامگذاری کند، به چاپ رسانده است. ظاهراً می‌خواست خوانندگان کتابهایش را به سه بخش تفکیک نماید: کسانی که به هر دلیل تنها به افسانه‌ها توجه می‌کنند، کسانی که به نقد و تحلیل‌های شتابزده علاقه نشان می‌دهند و کسانی که برای تحقیق بیشتر به هر دو متن رجوع می‌کنند.

۵- کتاب به صورت فشرده، رویکردهای مختلف معرفتی و روشی را شامل می‌شود: ریخت‌شناسی پراپ، ساختارگرایی و فرمالیسم، روان‌شناسی فروید و آدلر، مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی مارکسیستی و انتقادی، اسطوره‌شناسی کاسیرر، الیاده و اشتراوس، نشانه‌شناسی، زبان‌شناسی و ایتمولوژی و غیره. این رویکردها کم و بیش در همه فصلها پراکنده است. اما مخاطب پراکنده‌گی را در



سید مجتبی میر میران

(schizophrenia) زبان است (دست کم در این باره بلا تکلیف و در مانده نبوده ام).» (ص ۱۲)

فضایی که نویسنده در متن ایجاد می کند، مشخص می سازد که آیا به اساطیر علاقه مند است و یا با فاصله بدان می نگرد، اما به نظر می رسد که گاه می خواهد جا پای علائق خود را نسبت به افسانه هایی که او را به شور قلمی چنین برانگیخته اند، محو نماید. لحن عباراتی چون عبارات پایانی کتاب نسبت به نقد مدرن و جدی افسانه و سنت در گوشه های مختلف کتاب، نشانه انفعال نسبی اثر در برابر نفوذ قدرت افسانه هاست: «امید در سراسر افسانه ها سایه افکنده است. آیا پایان ناخوش مرگ را می توان در رمانس نو میدی محض خواند؟ آیا دو دل داده که در پای هم جان می دهند، به مرگ و جدایی مطلق دچار می گردند؟ در افسانه ها مستقیماً دیده ایم که چگونه انسانها مسخ می گردند و پرند می شوند و چوب و سنگ می گردند و آنگاه دوباره زندگی را از سر می گیرند... آیا مرگ دو دل داده در هر دو رمانس، در کنار هم نشانه آن نیست که آنان، دوباره سبز می گردند؟ افسانه بدان باور دارد، رمانس هم: در پایان بسیاری از رمانسها، سخنانی مشابه این عبارت افسانه «عزیز و نگار» آمده است: «بر سر هر قبر، بوته گلی روییده بود که با وزش باد به آغوش هم پناه می بردند.» آیا این عبارت، استحاله شده این سخن مستقیم «تبدیل انسان» به درخت، گل، خون سیاوشان، شقایق نعمانی و غیر آنها نیست که دوباره زنده شده اند و یا با سیر صعودی خود به هیأت انسان باز می گردند؟»

پانوشت:

* گذر از جهان افسانه (نقد و تحلیل افسانه های گیلان)، دکتر علی تسلیمی، چوبک رشت، پاییز ۱۳۸۱.

مباحث آن احساس نمی کند.

۶ - این کتاب به نقد و تحلیل افسانه های گیلان منحصر نمی گردد؛ هم افسانه های ملل را تحلیل می کند و هم نگاهی جهانی به افسانه دارد، اما از آنجا که مواد اولیه کتاب، افسانه های گیلان است، محوریت فاکتورها مربوط به همین منطقه است. از سویی نشانه ها، رنگ و بوی گیلانی دارند.

۷ - روشی که در کل کتاب مشاهده می شود، تعلیقی است: «عنوان «نقد متن» در برابر «تحلیل متن» اثر را دچار تعلیق در ایمان و بی ایمانی نسبت به افسانه ها می کند. چنانکه ممکن است، خواننده چون نگارنده موضع نهایی اثر را در نیابد و احساس می کنم که رسالتی جز تفنن، لذت بردن از متن و گاهی ایجاد آگاهی نسبی برای خود و خواننده ندارم. این بلا تکلیفی در ساختار و روش کار نیز اثر نهاده است. به بیانی دیگر، شالوده شکنانه از توصیف و تحلیل به نقد و بالعکس گریز زده ام و شاید تعمدی در حین کار، در میان نبوده است. آنچه برایم اهمیت دارد، آگاهی بر شیزوفرنی